

## ابن حسام خوسفی به مثابه شاعری دو زبانه در قهستان سده نهم هجری

سپیده افروز<sup>۱</sup>

دکتر محمدرضا عزیزی<sup>۲</sup>

عطیه یوسفی<sup>۳</sup>

### چکیده

مولانا محمد بن حسام‌الدین خوسفی، مشهور به ابن حسام از شعرای بزرگ دو زبانه و قصیده‌سرای قرن نهم هجری قهستان است. وی بخش قابل توجهی از اشعار خویش را به زبان عربی سروده است. در این پژوهش برآنیم تا به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع موجود، به بررسی بخشی از عربی‌سروده‌های این شاعر دوزبانه بپردازیم. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد علت گرایش وی به عربی‌سرایی، انگیزه‌های دینی و مذهبی است؛ چرا که در عصر مذکور از توجه دربار به زبان عربی کاسته شد و به دلیل آزادی‌های مذهبی گاه گرایش چندی از شاعران به زبان عربی با انگیزه‌های دینی به چشم می‌خورد. عربی‌سرایی ابن حسام را می‌توان دستاورد علمش بر زبان عربی و یا حاصل تسلط وی بر قرآن و آگاهی از احادیث دانست.

واژگان کلیدی: ابن حسام، دوزبانه، عربی، سده نهم هجری..

### ۱. مقدمه

سرزمین پهناور، پرآوازه و تاریخی قهستان در ناحیه شرق ایران، همواره به‌عنوان یک کانون مهم سیاسی، نظامی، اقتصادی، فرهنگی و گذرگاه بااهمیت ارتباطی شرق و غرب آسیا مطرح بوده است. این سرزمین از نخستین زیست-گاه‌های بشر در شرق ایران است و پیشینه سی هزار ساله دارد. از آن زمان که این دیار گذرگاه اسکندر واقع شد، بیشتر مورد توجه مورخان و جغرافی‌دانان عرب و مسلمان قرار گرفت. قهستان در قیام‌ها و جنبش‌های تاریخی علیه سلطه‌گری بیگانگان در ایران سرآمد بوده و نمونه ارزشمندی از سخت‌کوشی، توانمندی، پایداری و صبر و مقاومت را به نمایش گذاشته است. در کتاب تاریخ و مشاهیر قاینات آمده است: «سرزمین قهستان با وسعت ۸۰ × ۸۰ فرسنگ دارای شانزده ولایت بوده و تمامی استان خراسان امروز را هم در بر می‌گرفته است» (رجبی، نجیب‌الله و رجبی، میثم، ۱۳۹۰: ۱۱-۱۲).

وقتی تیموریان هرات را به پایتختی انتخاب نمودند، قهستان از توابع هرات بود و حکام و علمای این منطقه مستقیماً با دربار هرات مراوده داشته و فرهیختگان، هنرمندان و ادبای زیادی از قهستان به شوق تحصیل به هرات رفتند و در دربار تیموریان مشاغل حساسی به‌دست آوردند (خوافی، ۱۳۳۹، ج ۳: ۷۶-۱۴۹).

در عصر تیموریان دین‌داری امیران تیموری و تشویقی که ایشان به رعایت شعائر مذهبی می‌کردند، در تقویت روحیه دینی مؤثر افتاد. تیمور، مسلمانی راسخ و متعصب بود و در یورش‌های خود کیش اسلام را ترویج می‌کرد. مذهب رسمی دربار شاهرخ، مذهب اهل سنت بود ولی تعداد شیعیان در عراق، خراسان و آذربایجان کم نبود. در این دوره، مشاهیری که عقاید شیعی را بر عقاید اهل سنت ترجیح می‌دادند، خاصه در میان شاعران، کم نبودند، از جمله این شاعران قاسم الأنوار تبریزی، کاتبی شیرازی و ابن حسام خوسفی بودند (خوسفی بیرجندی، ۱۳۸۱: ۹).

<sup>۱</sup> دانشیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه بیرجند [ashamiyan85@gmail.com](mailto:ashamiyan85@gmail.com)

<sup>۲</sup> استادیار رشته زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بیرجند [Mohammadrazizi@birjand.ac.ir](mailto:Mohammadrazizi@birjand.ac.ir)

<sup>۳</sup> دانشجوی کارشناسی ارشد مترجمی زبان عربی، دانشگاه تهران [a.usefi313@ut.ac.ir](mailto:a.usefi313@ut.ac.ir)

## ۲. روش پژوهش

در این پژوهش برآنیم تا به روش کتابخانه‌ای و از طریق فیش‌برداری از منابع موجود و با رویکردی زبانی به بررسی بخشی از اشعار عربی شاعر دوزبانه قهستان در سده نهم هجری بپردازیم. لذا ابتدا به تقسیم‌بندی اشعار وی در پنج بخش اقدام نموده و از هر مورد، نمونه‌هایی را ذکر کرده و به طور مجزا تحلیل نموده‌ایم. نگارندگان سعی دارند با بررسی کامل ابیات ابن‌حسام پاسخی مناسب برای سوالات زیر بیابند:

- ۱- با توجه به کاسته شدن از جایگاه زبان عربی در قرن نهم هجری، آیا تا کنون شاعری در محدوده قهستان به زبان عربی توجه داشته یا به این زبان شعر سروده است؟
- ۲- علت روی آوردن شاعری چون ابن‌حسام در سده نهم هجری به عربی‌سرایي چیست؟
- ۳- ابن‌حسام به چه میزان از زبان عربی در سرودن اشعار خود بهره برده است؟

## ۳. پیشینه پژوهش

با توجه به بررسی‌های صورت گرفته باید اشاره کرد که مقالات زیادی در زمینه ابن‌حسام و آثار و ویژگی‌های شعری او نوشته شده است. پایان‌نامه‌ای نیز در زمینه شاعران دوزبانه قهستان تحت عنوان «بررسی شرح احوال و افکار مشاهیر شعرای ادب عربی در منطقه قهستان» در سال ۱۳۸۳ در دانشگاه آزاد اسلامی واحد کاشمر، توسط غلامرضا طاهری نگاشته شده است. همچنین دکتر محمدرضا عزیزی (۱۳۹۵)، مقاله‌ای با عنوان «شرح و نقد قصیده عربی دیوان ابن‌حسام خوسفی»، با هدف تحلیل و بررسی عناصر فنی یکی از قصیده‌های ابن‌حسام خوسفی، در زمینه مدح پیامبر (ص)، تألیف نموده است. ولی آنچه مشهود است این است هیچ یک از این پژوهش‌ها، شاعر دوزبانه قهستان را به صورت اختصاصی مورد بررسی قرار نداده است.

## ۴. جایگاه زبان عربی در قرن نهم هجری

با ورود اسلام به ایران، مردم این سرزمین با زبان عربی آشنایی پیدا کردند. با گسترش دین اسلام، نیاز مسلمانان به آموختن قواعد عربی و تدوین آن آشکار شد. چرا که مسلمانان غیر عرب برای درک معانی قرآن و احادیث به فراگرفتن زبان عربی نیاز داشتند (فنودی، ۱۳۹۳: ۱۰).

در قرن نهم هجری، عالمان علوم ادبی، به توضیح و تفسیر و تحشیه کتب درسی، و گاه نظم قواعد ادبی زبان عربی می‌پرداختند. ابداع و ابتکار در علوم ادبی از بین رفت. در نتیجه نگارش منظومه‌هایی در باب صرف و نحو و لغت و علوم بلاغی معمول گشت و عده‌ای بر آن منظومه‌ها شرح نگاشتند. زبان آن‌ها زبان حکومتی و اشرافی نبود، بلکه فقط زبان علمی و ادبی بود. در این میان نکته‌ای که قابل توجه است، کم شدن تعداد تألیفات، به زبان عربی و افزوده شدن بر تعداد کتاب‌های فارسی در زمینه علوم ادبی عربی است. فاصله گرفتن از زبان عربی در این دوره، حاصل ادامه گسیختگی ارتباط ایرانیان در زیر سلطه مغولان و ترکان جغتایی است، که با قلمرو رواج فرهنگ عربی اسلامی ارتباط نداشتند (صفا، ۱۳۶۴، ج ۴: ۱۱۰).

بنابراین در عهد تیموری زبان عربی و عربی‌سرایي نه تنها نزد حکام و درباریان بلکه در نزد ادیبان و شاعران جایگاه چندانی نداشت. با این وجود شاهد عربی‌سروده‌هایی شایان توجه از شاعران قهستان از جمله ابن‌حسام خوسفی هستیم که در ذیل به آن اشاره می‌کنیم.

## ۱-۴ ابن‌حسام خوسفی

نامش محمد، فرزند حسام‌الدین حسن و جدش شمس‌الدین محمد است (دیوان، ۱۳۶۶: یازده). محمد مشهور به محمد بن حسام یا ابن‌حسام ملقب به شمس‌الدین می‌باشد (مدرس تبریزی، ۱۳۶۹، ج ۱: ۴۷۶).

ابن حسام در سال ۷۸۲ یا ۷۸۳ هـ ق در شهر «خوسف» (۳۵ کیلومتری جنوب غربی بیرجند) متولد شد (دیوان، ۱۳۶۶: دوازده). پدر و اجداد ابن حسام مردمی اهل دانش و فضل و در میان مردم به پارسایی و پرهیزگاری مشهور بوده‌اند. خاندان او از سده هجری در قهستان به شاعری نام‌بردار بودند.

از مطالعه آثار و احوال ابن حسام برمی‌آید که او در علم صرف و نحو و معانی و بیان، نجوم، تاریخ و به‌ویژه در تفسیر، حدیث، علم رجال و انساب نیز متبحر بوده است. از دوران تحصیل شاعر اطلاع چندانی در دست نیست (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۴۲)؛ اما به نظر می‌رسد که او بسیاری از دانش و توانایی علمی خود را از نیاکان به خصوص پدرش فراگرفته است:

تربیت‌های پدر خاک مرا خوشبوی کرد  
خاک خوش بر خوابگاه تربت بابای من  
(دیوان، ۱۳۶۶: سیزده)

ابن حسام از تنها قطعه زمینی که در خوسف داشت، امرار معاش می‌کرد. هم‌چنین در کوهپایه روستای «رچ» (در فاصله ۱۸ کیلومتری شرق خوسف) تاکستانی کوچک داشت که حاصل آن کمکی به زندگانی وی می‌رسانده است؛ ولی متأسفانه به سبب تنگدستی بیش از حد، این تاکستان به گرو می‌رود (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۴۲). ابن حسام دارای سه فرزند به نام‌های عباد، یحیی (معروف به شمس‌الدین) و ابوالحسن (مشهور به خواجه حافظ) بوده است؛ ولی در اشعارش تنها از شمس‌الدین نام می‌برد (دیوان، ۱۳۶۶: چهل و شش و آیتی، ۱۳۷: ۲۴۱).

#### ۱-۱-۴ مذهب و اعتقادات ابن حسام

در اعتقاد ابن حسام به مذهب تشیع تردیدی وجود ندارد. شاهد مدعای ما سخن بیشتر مورخان و اشعار به‌جای مانده از اوست. اما سیاق فکری او با آنچه در میان شیعیان بعد از صفویه دیده می‌شود، تفاوت دارد؛ در اندیشه او نوعی روشن‌بینی و سماحت و پرهیز از تعصبات خشک مشاهده می‌شود. این تسامح فکری در بعضی از اشعارش به‌شیوه‌ای نمودار گشته است که موجبات تردید خواننده را در مورد مذهبش فراهم می‌آورد (علیزاده بیرجندی، ۱۳۷۸: ۳۴). به‌عنوان مثال در قصیده‌ای، خدای را به مقربان درگاهش سوگند داده و پیشرفت فرزندش را درخواست می‌کند:

... یا رب به‌حق سنبلی مشکین احمدی  
یا رب به‌چار رکن خلافت که کرده‌اند  
یا رب بدان امام مطهر که ذات  
کاین سرو علم که بر سدره سرکشید  
بر گل عبیر بیز چو بر لاله مشکسا  
ارکان دین قواعد احکام‌شان به‌پا  
مخصوص لا فتی بُد و منصوص هل آتی...  
او را به‌فضل خود برسانی به‌منتها  
(دیوان، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۸)

ابن حسام تمام قصاید خود را [به‌جز پندیات] به‌ذکر مناقب چهارده معصوم اختصاص داده و ایشان را در قصایدی جداگانه و گاهی نیز همه را در قصیده‌ای واحد ستوده است. به‌دلیل همین اعتقاد به تشیع، دشمنان ابن حسام به او نسبت کفر داده‌اند (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۰: ۲۱). شاهد ما قصیده‌ای است که در منقبت حضرت رسول صلوات الله علیه سروده است:

بدخواه اهل بیت تو ملعون و خارجیت  
نسبت به‌کفر می‌کنم خصم خاکسار  
گر نعت اهل بیت تو کفر است کافر  
همچنین ترجیع‌بندی در مدح حضرت علی (ع) دارد که گواه بر تشیع وی می‌باشد:  
آن خدائی که او به‌نور رسل  
از جهان ظلمت ظلم برداشت  
گر نبی را به‌بیم کردن خلق  
امر فرمود و محترم برداشت

مرتضی را به نصّ این آیت  
 به هدایت ستود و هم برداشت  
 إنّما أنت مُنْذِرٌ لِّعِبَادٍ  
 و علی لِّکُلِّ قَوْمٍ هَادٍ  
 (دیوان، ۱۳۶۶: ۲۷-۲۸)

او اساساً شاعر آیینی است و از این حیث دیوان وی موج می‌زند و علاقه‌مندان را به مطالعه دیوان محمدبن حسام خوشفی توصیه می‌کنیم.

## ۲-۱-۴ آثار ابن حسام

خاوران‌نامه: شاهکاری ادبی- هنری است که به دلیل ویژگی‌های سبکی و جایگاه آن در میان آثار ادبی، شهرت پیدا کرده است. خاوران‌نامه از مهم‌ترین منظومه‌های حماسی- دینی در شرح احوال علی بن ابیطالب (ع) است که هم- چون سایر منظومه‌های حماسی- دینی ترکیبی از رخداد‌های تاریخی و افسانه‌های عامیانه است (علیزاده بیرجندی، ۱۳۹۲: ۴۸).

حماسه‌های منظوم دینی از سده نهم هجری به بعد رواج پیدا کرد. خاوران‌نامه ابن حسام خوشفی از جمله برجسته‌ترین حماسه‌های منظوم دینی است. این نوع حماسه‌ها مهم‌ترین منبع برای تعزیه به‌شمار می‌روند (خاتمی، ۱۳۷۳، ج ۱: ۱۳۹). موضوع اصلی خاوران‌نامه، سفرها و نبردهای علی (ع) و یاران ایشان در سرزمین خاوران با پادشاه خاورزمین و دیگر امرای بت پرست جهت اشاعه اسلام و براندازی کفر است (رازی، بی تا، ج ۲: ۳۲۵؛ خوشفی، ۱۳۶۶: ۴ و ۵). شاعر موضوع منظومه‌اش را- طبق گفته خودش- از یک کتاب عربی انتخاب کرده است. ویژگی بیشتر آثار حماسی ایران این است که مبتنی بر اصلی بوده و سازندگان آن‌ها به‌طور مستقیم در نقل یا جعل روایات دخالتی نداشته‌اند. تاریخ پایان این منظومه سال ۸۳۰ هـ ق است (صفا، ۱۳۶۴: ۳۱۷). نام کتاب، مأخذ و سال خاتمه آن در دو بیت زیر آمده است (صفا، ۱۳۵۲: ۳۷۷-۳۷۸؛ دائرة المعارف اسلامی، ۱۳۶۹، ج ۳: ۳۵۷):

چو بر سال هشت بیفزود سی  
 شد این نامه‌ی تازیان پارسی  
 مر این نامه را خاوران‌نامه نام  
 نهادم بدانگه که کردم تمام

خاوران‌نامه به بحر متقارب و به تقلید از شاهنامه فردوسی در ۲۲۵۰۰ بیت سرده شده است (باستانی پاریزی، ۱۳۶۳: ۳۰۴). هرمان اته در بحثی پیرامون حماسه‌ی فردوسی به این طرف، در مورد خاوران‌نامه می‌گوید: «... عده‌ای دیگر از اخلاف فردوسی در صدد مسابقه با آن استاد برآمدند و از یک منبع واحد به دو طرق پیروی نمودند: نخست آن‌که حس روزافزون تشیع ایرانی که شخص فردوسی هم در اواخر عمر آن‌را ظاهر می‌کرد، سبب شد که رو به حماسه‌های مذهبی نهند در این منظور بالطبع مدح حضرت علی (ع) و خاندان او در ردیف اول قرار گرفت...» (اته، ۱۳۵۶: ۵۹). از خاوران‌نامه نسخه‌های متعددی بر جای مانده که در کتاب‌خانه‌های ایران و جهان پراکنده است.

دیوان: ابن حسام در انواع شعر، هنرنمایی کرده است و در هر قالب شعری، قدرت خود را نشان داده است. غالب دیوان وی، مشتمل بر قصایدی است که در منقبت رسول اکرم (ص) و امیرمؤمنان (ع) و سایر پیشوایان مذهبی می- باشد. سبک ابن حسام در شعر، شیوه مستقلی نداشت؛ او بیش‌تر به تقلید از سبک پیشینیان می‌پرداخت. اما به‌طور کلی سبک وی در قصیده، خراسانی و در غزل، عراقی بود. ناقدان، ابن حسام را از معدود شاعران استاد قرن نهم می- دانند که بر علوم زمان و مبانی ادبی و اسلامی عصر خود تسلط کافی داشته است (ر.ک: تاریخ ادبیات در ایران، ذبیح الله صفا، ج ۴: ۱۶۹).

نثراللالی: منظومه‌ای است در قالب مثنوی مشتمل بر ترجمه کلمات قصار مولی علی (ع) و به‌شیوه منظومه «مطلوب کل طالب من کلام علی بن ابیطالب» معروف به «صد کلمه» از رشیدالدین وطواط (شاعر قرن ششم هجری) سروده شده است. تنها بخشی از آن که مشتمل چهل و هشت کلمه است در دیوان، نسخه احمد احمدی بیرجندی و محمدتقی سالک آمده است و با تأسف بسیار دسترسی به سایر ابیات میسر نیست (خوشفی، ۱۳۶۶: ۴۷).

دلایل النبوه و نسب‌نامه: منظومه‌ای است در ذکر دلایل نبوت پیامبر اکرم (ص) که در پی آن نسب‌نامه آن حضرت تا حضرت آدم به نظم درآمده و ضمن دیوان اوبه طبع رسیده است.

### ۳-۱-۴ شعر ابن حسام

عصر زندگی ابن حسام (سده نهم هجری) را سرآغاز رواج شعر مذهبی دانسته‌اند. پادشاهان عهد تیموری غالباً دوست‌دار علم و ادب و حامی عالمان و ادیبان بوده‌اند و این از دلایل عمده پیشرفت شعر فارسی است. ابن حسام، پرورده چنین عصری است. وی شاعر درباری و یا مداح اشخاص بی‌ارزش نیست به همین سبب چنان که باید شهرت نیافته است (صفا، ۱۳۶۴: ۳۱۶).

### ۵. بررسی و ارزیابی عربی سروده‌ها

با بررسی آثار ابن حسام، لازم به ذکر است که تنها، دیوان ابن حسام دارای بخش چشم‌گیری از ابیات عربی است. در این بخش، ابیات عربی ابن حسام خوسفی را در پنج بخش تفکیک نموده و نمونه‌هایی از آن را با شرحی کوتاه بیان می‌کنیم.

### ۱-۵ تأثیرپذیری از قرآن کریم

دیوان ابن حسام مشتمل بر ابیاتی است که در آن آیات و عبارات قرآنی عیناً به‌کار رفته است. تعداد این ابیات به ۵۴ بیت می‌رسد و بیان‌گر تسلط وی بر قرآن کریم است. ما در ذیل با رعایت اختصار تنها چندی از این ابیات را بررسی خواهیم کرد.

جَلَّ مَنْ إِذْ قَالَ مُوسَى رَبِّ أَرِنِي جَلُوهٗ أَوْ كُوهٗ رَا اجْزَا ز اجْزَا رِيخْتَه (خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۳۴)  
آن هنگام که موسی از خداوند درخواست کرد جلوه‌ای از خویش را برای او نمایان سازد، پرتوی از نور عظمت او، بر کوه تابید و آن را خرد کرد.

این بیت ناظر است بر آیه ۱۴۳ سوره اعراف که می‌فرماید: «وَلَمَّا جَاءَ مُوسَى لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرَا نِي وَلَكِنْ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرَانِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ دَكًّا وَخَرَّ مُوسَى صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ» (و چون موسی به میعاد ما آمد و پروردگارش با او سخن گفت عرض کرد پروردگارا خود را به من بنمای تا بر تو بنگرم فرمود هرگز مرا نخواهی دید لیکن به کوه بنگر پس اگر بر جای خود قرار گرفت به زودی مرا خواهی دید پس چون پروردگارش به کوه جلوه نمود آن را ریز ریز ساخت و موسی بیهوش بر زمین افتاد و چون به خود آمد گفت تو منزهی به درگاہت توبه کردم و من نخستین مؤمنانم) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۶۴).

ابن حسام با آیات قرآن آشنایی دارد و عیناً کلمات و عبارات قرآنی را در شعر خود به‌کار می‌برد. وی به لفظ و معنای آیه [خداوند از رؤیت و حس جسمانی منزّه و برتر است] در بیت خود اشاره می‌کند؛ از این روی تسلط وی بر آیات قرآن کریم محسوس می‌گردد.

- چتر ظللنا علیکم قوم اسرائیل را داده و بر خوان ایشان من و سلوی ریخته (خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۴۰)  
خداوند ابر را سایبان قوم اسرائیل قرار داد و مرغ بریان و ترانگبین را به آن‌ها روزی داد.

این بیت ناظر بر آیه ۵۷ سوره بقره است که خداوند متعال در آن می‌فرماید: «وَضَلَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْغَمَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوى كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (و بر شما ابر را سایه گستر کردیم و بر شما گزانگبین و بلدرچین فرو فرستادیم [و گفتیم] از خوراکیهای پاکیزه ای که به شما روزی داده ایم بخورید و [لی آنان] بر ما ستم نکردند بلکه بر خویشتن ستم روا می‌داشتند) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۲).

یا رب به حق قوت ذوالقوة المتین روح الامین که سدره بدو داد منتها  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۱۵)

ابن حسام خداوند را به قدرت فرشته‌ی وحی سوگند می‌دهد تا بعد از قریب ۸۵ بیت از این قبیل از درگاه ایزد منان طلب آمرزش نماید.

وی در بیت فوق عینا از عبارت قرآنی آیه ۵۸ سوره ذاریات بهره برده است: «إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ» (خداست که خود روزی بخش نیرومند استوار است) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۸۲).

اما ظاهرا مراد شاعر در این بیت جبرئیل است که در سوره نجم به «شدید القوی» موصوف گشته است. مولوی: قوت جبریل از مطیخ نبود بود از دیدار خلاق ودود

یا رب به زاهدان که بهشت است وعده‌شان آن‌جا که گفته‌ای و نهی النفس عن هوا  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۷۳)

خداوندا تو را به زاهدان درگاهت که در قرآن کریم به پاس دوری از هوای نفس بدان‌ها وعده بهشت داده‌ای؛ سوگندت میدهم.

ناظر است بر آیه ۴۰ سوره نازعات که می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ» (و اما کسی که از ایستادن در برابر پروردگارش هراسید و نفس خود را از هوس باز داشت) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۲۰۵).

یا رب بدان عطیه که خود کرده‌ای خطاب یا آدم اسکننا و کلا حیث شیئتما  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۷۶)

این بیت ناظر بر آیه ۱۹ سوره اعراف است که خداوند خطاب به حضرت آدم می‌فرماید: «وَبَا أَدَمُ اسْكُنْ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ» (و ای آدم تو با جفت خویش در آن باغ سکونت گیر و از هر جا که خواهید بخورید و [لی] به این درخت نزدیک مشوید که از ستمکاران خواهید شد) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۵۹).

مژده ارکض برجلک یاد کن ایوب را کآن بلا کش در بلاء رنج کرمان مبتلاست  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۴)

این بیت اشاره دارد به آیه ۴۲ سوره ص است که خداوند می‌فرماید: «ارْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ» (به او گفتیم) با پای خود [به زمین] بکوب اینک این چشمه ساری است سرد و آشامیدنی) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۵۹).

بر طریق لیس لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى جز در این معنی نکوشد خاطر دانای من  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۶۸۱)

ابن حسام با هنرنمایی تمام اعتقادات و تسلط خود بر آیات قرآنی را به رخ می‌کشد و می‌گوید من همواره با تکیه بر آنچه خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است با تلاش خود به دنبال کسب روزی حلال هستم.

بیت ناظر بر آیه ۳۹ سوره نجم است که خداوند می‌فرماید: «وَأَنْ لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (و اینکه برای انسان جز حاصل تلاش او نیست) (فولادوند، ۱۳۸۸: ۱۸۴).

## ۲-۵ تاثیرپذیری از کلام معصومین علیهم السلام

ابن حسام شاعر شیعی مذهب و محب اهل بیت است. وی با احادیث معصومین آشنایی دارد و از آن در ابیات خود بهره برده است. به‌عنوان مثال:

بقول قایل من سنَّ سُنَّةً حَسَنَةً که اجر محسن و زجر مُسئِ درو پیداست  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۷۱۱)



ناظر بر حدیث: «من سنَّ فی الإسلام سنَّةً حسنَةً فَعَمَلٌ بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ لَهُ مِثْلُ أُجْرٍ مَنْ عَمَلَ بِهَا وَ لَا يُنْقَصُ مِنْ أُجْرِهِمْ شَيْءٌ وَ مَنْ سنَّ فی الإسلام سنَّةً سیئَةً فَعَمَلٌ بِهَا بَعْدَهُ كُتِبَ عَلَيْهِ مِثْلُ وِزْرِ مَنْ عَمَلَ بِهَا وَ لَا يُنْقَصُ مِنْ أُوزَارِهِمْ شَيْءٌ» (اگر کسی در بین مسلمانان سنت نیکویی به جا گذارد و پس از مرگ او؛ به آن عمل کنند، اجری برابر با اجر عامل آن برایش ثبت می شود و از اجر هیچ کدام کم نخواهد شد و اگر کسی سنت بدی در بین مسلمانان به جا گذارد و پس از او بدان عمل کنند، گناهی برابر گناه عامل آن برای او ثبت می شود و از گناه هیچ یک کاسته نخواهد شد) است (خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۴۹).

ذات نبی و ذات علی هر دو چون یکیست      قال النبیُّ لَحْمُکَ لَحْمِی ایا علی  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۰۰۵)

ناظر بر حدیث نبوی: قال رسول الله (صلى الله عليه و آله): «هذا علي بن ابيطالب لحمه لحمي و دمه دمي فهو مني بمنزلة هارون من موسى الا انه لا نبي بعدي» (این علی است (علیه السلام)، گوشت او گوشت من، و خون او خون من است و او برای من به منزله هارون است برای موسی، به جز این که بعد از من پیامبری نیست) که در دعای ندبه هم آمده است.

کاشف سِرِّ و عَلَن کَشَافَ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ      حامی فرض و سنن ماحی ظلم و کفر و کین  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۸۸۵)

اشاره به سخن حضرت علی (علیه السلام): «سلونى قبل أن تفقدونى لو كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا از دتْ یَقِينًا» (قبل از آن که مرا نیابید، هر چه می خواهید از من بپرسید؛ اگر پرده ها بالا رود و کشف حجاب گردد، یقین من زیاد نخواهد شد) دارد.

سَاوِی بَطَاعَةً الثَّقَلَيْنِ اِمْتِلَاخَةً      چون کرد ران عمرو به تیغ از برش بری  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۷۱)

اشاره است به جنگ احزاب (خندق) که علی (علیه السلام) با ضربتی عمرو بن عبدود را به دیار نیران فرستاد و در شأن ایشان پیغمبر (صلى الله عليه و آله) فرمود: «ضربه علی یوم الخندق افضل من عبادة الثقلين» (ارزش این فداکاری بالاتر از عبادت تمام جن و انس است).

پرده گشای سِرِّ سَلُونِی وَ لَوْ كُشِفَ      مَن كَانَ فِی الْعُلُومِ كَشَمْسِ الْمُنَوَّرِی  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۶۴)

اشاره به فرمایش حضرت علی (علیه السلام) که به اصحاب می فرمودند: «سلونى قبل أن تفقدونى لو كُشِفَ الْغِطَاءُ مَا از دتْ یَقِينًا» (قبل از آن که مرا نیابید، هر چه می خواهید از من بپرسید؛ اگر پرده ها بالا رود و کشف حجاب گردد، یقین من زیاد نخواهد شد) دارد.

یا رب بدان سفینه که خوف هلاک او      حق لمن تخلف عنها و قد أبی  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۴۳)

اشاره دارد بر کشتی نوح و سرپیچی فرزند آن حضرت به نام کنعان و دیگر عاصیان که از سوار شدن کشتی نجات حضرت نوح (علیه السلام) تخلف کردند و غرق شدند.

و هم چنین به حدیث: «مثل اهل بیتی کمثل سفینه نوح من رکبها و من تعلق بها فاز و من تخلف عنها غرق» (پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: مثل اهل بیت من، مثل کشتی نوح است که هر کس سوارش شد نجات یافت و هر کس که از آن باز ماند غرق گشت) اشاره دارد (خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۶).

### ۳-۵ ابیات عربی

سرودن ابیات و قصاید عربی بیان گر توانایی و چیره دستی ابن حسام در آن زبان است؛ چراکه سرودن شعر به زبان

دیگر، علاوه بر دانستن، دل بستگی، پختگی و ذوق نیز می‌خواهد. تعداد این ابیات در خور توجه است و به ۱۳۷ بیت می‌رسد؛ که جهت اختصار تنها نمونه‌ای از این ابیات را می‌آوریم.

ثَنَاءَ رَفَعْتِكُمْ فِي الْغَدُوِّ وَالْأَصَالِ      دُعَاءَ دَوْلَتِكُمْ بِالْعَشِيِّ وَالْأَبْكَارِ  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۵۲۳۴)

مدح و ستایش شما در هر صبح و شام، دعاء دولت شما در صبح و شام است.

وَ كَاتِبُ الْفَلَكَ يَكْتِيبُ مِنْ انْشَائِي      كَعَنْبَرٍ عَبَقَ خَطَّهُ عَلَى الْأَلْوَابِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۵۹)

نویسنده آسمان‌ها از نگارش من می‌نویسد که هم‌چون عنبر خوشبویی است که اثرش بر روی تخته و لوح باقی است.

وَ زَيْنَتُ بِمَصَابِيحِهَا الدُّجَى فَلَكَ      زَوَاهِرِ اللَّمَعَاتِ تَشَعُّشَتْ بِرَوَاحِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۲۵۵)

با چراغ‌هایش آسمان را زینت بخشید، شکوفه‌های درخشان در ابتدای شب می‌درخشد.

خَوْفِي مِنَ الذَّنُوبِ وَ أَرْجُو شَفَاعَةً      مِنْ خَمْسَةِ الْعِبَاءِ وَ هُمْ سَادَةُ الْإِنْسَانِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۹۶۷)

ترس من از گناهانم است در حالی که امید به شفاعت خاصان درگاه الهی دارم؛ چراکه سرور مردمان در روز قیامت‌اند.

مَنْ يَلْتَجِي إِلَيْكَ رَجَاءً فَيَتَّجِي      وَاللَّهِ لَا يُحَسِّرُ يَوْمَ التَّحَسُّرِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۸۱)

هرکس با امید به تو روی آورد نجات می‌یابد و به خدا سوگند در آن روز حسرت زده و پشیمان نخواهد شد.

يَا مَنْ إِلَيْكَ غَايَةُ شَوْقِي وَ رَغْبَتِي      أَنْظِرْ إِلَيَّ أَنْتَ بَعَيْنِ التَّنَاطُرِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۵۷۷)

ای کسی که نهایت امید و آرزوی من هستی من با میل و رغبت به تو روی آوردم، تو هم متقابلاً به من نظری کن.

شَهَابٌ رُمُحُكَ كَالْبَرْقِ خَاطِفُ الْإِبْصَارِ      مَهَابٌ سَيْفِكَ كَالْمَوْتِ هَادِمُ اللَّذَاتِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۰۰۴)

برندگی شمشیر تو مانند مرگ از بین برنده لذت‌هاست و درخشش نیزه تو مانند برق چشم‌ها را به خود خیره می‌سازد.

إِنَّمَا أَنْتَ مُنْذِرٌ لِعِبَادِ      وَ عَلَيَّ لِكُلِّ قَوْمٍ هَادِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۷۵۶۶)

حقیقتاً که تنها تو هشدار دهنده بندگان هستی و علی هدایت‌گر هر قومی است. (در خطاب به رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله)

#### ۴-۵ ملّمعات

با بررسی دیوان ابن حسام با ابیاتی مواجه می‌شویم که یک مصراع آن فارسی و مصراع دیگر آن عربی است و این خود بیان‌گر علم ابن حسام به زبان عربی می‌باشد، هر چند ممکن است خالی از اشکال نباشد. تعداد این ابیات به ۱۰۰ بیت می‌رسد.

وَ زَلْفُ بَتَانِ پَرَسِ پَرِيشَانِي حَالِمِ      مَا قُلْتُ مِنَ الشِّكْوَةِ حَسْبِي وَ كَفَانِي



(خوسفی، ۱۳۶۶: ۵۷۱۱)

علت پریشانی و آشفتگی حالم را از زیبارویان پرس. من دیگر شکایتی ندارم و همین مرا بس است.  
زین پیش کرده ایم توّلًا بهر کسی      الآن قد أنبتُ و وُلّیتُ عن سواه

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۴۳۶۲)

از قدیم با کسی دوستی برقرار کردیم و امروز هم همچنان بر آن دوستی پایبندیم و از غیر او روی گردانده‌ایم.  
ما روی دل به کعبه کوی کرده‌ایم      یا وَجْهَكَ الْكَرِيمَ نِعْمًا مَّأبِیَا

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۴۲۶۳)

روی خود را با تمام وجود به درگاه حق کرده ایم، ای بخشنده به چه پناهگاه خوبی روی آورده ایم.  
عمری که بی ولای تو باشد غرامت است      مَنْ يَشْتَغِلْ بِغَيْرِكَ فَالْعَمْرُ قَدْ أَضَاعَ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۲۱۸۹)

عمری که بدون ولایت تو سپری شود بر باد رفته است. هرکس به غیر از تو به کسی روی آورد عمرش را تباه نموده است.

آفتاب این روشنی از نور پیغمبر گرفت      مِنْ مَحِيَّاءِ الْكَرِيمِ ضَوْءَ مِصْبَاحِ الدُّجَا

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۷۸۵۲)

آفتاب درخشش خود را از چهره پیامبر گرفته است. همه نور این چراغ تاریکی از چهره نورانی و کریم رسول خدا صلی الله علیه و آله است.

واعظ فزع روز قیامت که بیان کرد      هَجْرَانُكَ ذَامِنُ فِرْعَانَ الْأَكْبَرِ أَفْزَعَ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۲۳۰)

واعظ از ترس روز قیامت سخن می‌گفت در حالی که هجران تو از هر ترس و وحشتی هولناک‌تر و آزاردهنده‌تر است.

## ۵-۵ استعمال عبارات زبان عربی

با تورق در دیوان ابن حسام، کلمات عربی و عبارات عربی مستعمل در بین اعراب نظر هر خواننده‌ای را به خود جلب می‌کند. جهت اختصار چندی از این ابیات را به‌عنوان نمونه ذکر می‌کنیم:

ای کبریای ذات برتر ز جسم و جوهر      خلاق ما سیوی الله رزاق بنده پرور

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۳۰۰۷)

ای خدای عظیمی که از هر جسم و روحی برتر است تو آفریننده خلایق و روزی دهنده بندگان هستی.

هم بیانت مُزینُ الأقوال      هم زیانت مُبیینُ الأحكام

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۱۱۹۸)

هم بیان تو زینت دهنده سخن هاست و هم زبان تو بیانگر شیوای احکام است.

فِداكَ إِبْنِ حُسَامٍ نثار کوی جانش      وَ كَيْفَ أَقْصِرُ عَنْهَا كَيْفَ فَدَاكَ جَانِ فِدَاكَ تُو دَارِمِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۳۴)

جان ابن حسان به فدای تو، چگونه در برابر او کوتاهی کنم در حالی که جانم را ارزانش می‌دارم.

فَمَا تَطَاوَلَ قَلْبِي حَدِيثَ زَلْفِ دِرَازِئِ      وَ مَا جَرَى بَدْمُوعِي زَ مَا جَرَايَ تُو دَارِمِ

(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۳۳)

قلب من همواره عصیان می‌کند چراکه در بند عشق او گرفتار شده است و داستان طولانی گریه‌های من از قصه عشق تو سرچشمه می‌گیرد.

کفی بَخْدَكَ وَرَدِي چه جای لاله سیراب      کذا وَ أَيْهٌ وَرِدٍ که من به جای تو دارم  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۲۸)

گل‌های گونه‌های تو مرا بس است دیگر چه حاجتی به لاله آتشین دارم؟! کدام گل است که بتواند جایگزین گل من (معشوق) باشد؟!

بیمار درد عشقم هیّهات کم تَعُدنی      باری چو مرده باشم ژرنی وَ لَا تَلَوِّمَ  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۲۴)

بیمار درد عشق شده‌ام و دریغا که دیگر او بازنمی‌گردد. حداقل روزی که مرده باشم به دیدار من بیا ولی در آن روز دیگر سرزنتی بر من وارد نیست.

بگریست ابر نیشان وَالْوَرْدُ قَدْ تَبَسَّمَ      خامش چنین چرایی؟ وَالطَّيْرُ قَدْ تَرَّثَمَ  
(خوسفی، ۱۳۶۶: ۶۳۱۸)

ابر بهاری بگریست و لبان گل به خنده باز شد. در این حال و هوای زیبا که پرنده هم شروع به آواز خوانی کرده است تو چرا سکوت کرده‌ای؟!

## ۶. نتیجه‌گیری

ابن حسام شاعر دوزبانه قهستانی است که به زبان عربی نیز شعر سروده است. در عهد تیموریان به دلیل عدم ارتباط ایرانیان با قلمرو رواج فرهنگ عربی اسلامی، هم چون گذشته زبان عربی و عربی‌سرایی نه تنها در نزد درباریان بلکه در نزد ادیبان و شاعران جایگاه چندانی نداشت؛ با این وجود ابن حسام خوسفی بیرجندی در اشعار خود به شکل قابل توجهی از زبان عربی بهره برده است.

از مهم‌ترین دلایل گرایش ابن حسام به زبان عربی می‌توان انگیزه‌های دینی و مذهبی دانست؛ چراکه وی سعی در بیان مناقب پیامبر و ائمه اطهار(ع) دارد و با توجه به اظهارات خودش هم چون حسان به مدح آل‌البیت می‌پردازد. او با آگاهی از علوم زبان عربی و تسلط بر قرآن کریم و آشنایی با احادیث ائمه معصومین به عربی‌سرایی روی آورده بدین معنا که گاه در شعرش شاهد کاربرد بخشی از آیه قرآن و یا ترجمه منظوم یک آیه و بیان قصه‌ای از قرآن کریم هستیم و یا اشاره به حدیثی از معصوم چنان که به نظم ثراللالی پرداخته است. گاهی هم با آشنایی بر زبان عربی قصیده‌ای کامل به زبان عربی سروده است و به علت تسلط بر دو زبان عربی و فارسیتعداد ۱۳۷ بیت عربی و ۱۰۰ ملمع سروددهو اشعاری مختلط از دو زبان خلق کرده است.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

باستانی پاریزی، محمد ابراهیم؛ *نای هفت بند*؛ تهران: مطبوعات عظیمی، ۱۳۶۳.  
خاتمی، احمد؛ *تاریخ ادبیات ایران در دوره بازگشت ادبی*؛ تهران: پویا، ۱۳۷۳.  
خوسفی، ابن حسام؛ *دیوان محمد بن حسام خوسفی*؛ مشهد: اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه استان خراسان، ۱۳۶۶.

-----  
*خاوران‌نامه؛ نقاش فرهاد شیرازی*؛ تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی: سازمان چاپ و انتشارات با همکاری سازمان میراث فرهنگی، ۱۳۸۱.

خوافی، فصیح احمد؛ *مجمل فصیحی*؛ به تصحیح محمود فرخ، مشهد: باستان مشهد، ۱۳۳۹.  
رازی، امین احمد؛ *تذکره هفت اقلیم*؛ تصحیح و تعلیق جواد فاضل. تهران: کتابفروشی علی اکبر علمی و کتابفروشی ادیسه، بی‌تا.

- رجبی، نجیب‌الله. رجبی، میثم؛ **تاریخ و مشاهیر قاینات**؛ چاپ اول، تهران: شهرآشوب، ۱۳۹۰.
- صفا، ذبیح‌الله؛ **تاریخ ادبیات در ایران**؛ چاپ سوم. جلد ۵. تهران: انتشارات فردوسی، ۱۳۶۴.
- **حماسه سرایی در ایران**؛ تهران: امیر کبیر، ۱۳۵۲.
- علیزاده بیرجندی، زهرا؛ **جستاری در احوال و آثار مفاخر استان خراسان جنوبی**؛ چاپ اول. تهران: فکر بکر، ۱۳۹۲.
- **فرزانگان بیرجند از سده هفتم هجری تا عصر حاضر**؛ طرح پژوهشی. دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه بیرجند، ۱۳۷۸.
- **تاریخ برگزیدگان و مشاهیر بیرجند**؛ تهران: فکر بکر، ۱۳۹۰.
- فنودی، فاطمه؛ (۱۳۹۳). **شرح حال، گردآوری و تحلیل آثار شاعران دو زبانه (عربی-فارسی) قهستان از قرن چهار تا شش هجری**. مقطع کارشناسی ارشد. بیرجند: دانشگاه بیرجند.
- مدرس تبریزی، محمدعلی؛ **ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکنیه و اللقب یا کنی و القاب**؛ چاپ سوم. جلد ۷. تهران: شفق، ۱۳۶۸.
- موسوی بجنوردی، کاظم؛ **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**؛ تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹.
- هرمان‌اته؛ **تاریخ ادبیات فارسی**؛ ترجمه و حواشی دکتر صادق رضازاده شفق. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۵.



انجمن علمی زبان و ادبیات فارسی